

شهادت نفس یعنی چه؛ شهادت دادن نفس علیه خود ما چگونه و با چه کیفیتی انجام می‌شود؟

نفس ما چگونه علیه خود ما شهادت می‌دهد؛ شهادت نفس چگونه اتفاق می‌افتد؟

همه ما کنجکاو هستیم تا دربارهٔ اوضاع پس از مرگ و نحوهٔ حسابرسی اعمالمان بدانیم و شاید بسیاری از ما این گزاره را شنیده باشیم که در آخرت اعضا و جوارح وجود ما علیه ما شهادت می‌دهند.

- اما شهادت نفس چگونه ممکن است؟
- مگر اعضا و جوارح وجود ما بخشی از وجود ما نیستند؛ پس چرا و چگونه حقایقی را بیان خواهند کرد که ممکن است به ضرر ما تمام شود؟
- اصلاً شهادت نفس دادن چگونه اتفاق می‌افتد؛ مگر ممکن است که هر یک از اعضا و جوارح وجود ما برای خودشان شخصیت مستقلی داشته باشند که اصلاً بتوانند شهادت مثبت یا منفی بدهند؟

همان‌طور که همه ما می‌دانیم دنیا سرای عمل و آخرت جایگاه حساب است. ما در دنیا در هر لحظه با تک‌تک ارتباط‌ها، انتخاب‌ها، رفتارها و افکارمان در حال شکل دادن به روح خود و حرکت به سوی ابدیت هستیم. برخی از ما دائماً در حال کسب دارایی و کمالات انسانی می‌باشیم؛ یعنی روزبه‌روز به الله شبیه‌تر می‌شویم و قلب و روحمان سالم‌تر و قوی‌تر می‌شود و برخی بالعکس. با تمام این وجود همه ما در هر شرایطی که باشیم باید دیر یا زود، دنیا را ترک کرده و زندگی ابدی‌مان را آغاز کنیم. بدون شک نوع تولد و نوع زندگی ابدی ما با یکدیگر یکسان نیست؛ زیرا دارایی‌هایی که در دنیا کسب کرده‌ایم با یکدیگر متفاوت است. دارایی هرکدام از ما به محض تولدمان به [برزخ](#) و حسابرسی اعمال مشخص می‌شود.

در میان تمام حقایق مربوط به جهان دیگر مساله شهادت نفس یکی از تأمل‌برانگیزترین مسائل است؛ وقتی از عالم دنیای مادی خارج و وارد عالم شهود می‌شویم و در هنگام حساب و کتاب اعمال شهادت نفس اتفاق

افتاده و خود نفس ما شهادت می‌دهد که چه اوضاع و شرایطی دارد و به میزان سلامت خویش گواهی می‌دهد. در این مقاله به بررسی چرایی و چگونگی این مساله می‌پردازیم.

### شهادت نفس چگونه ممکن است؟

بر اساس اصل نسبت شهادت نفس ما به محض تولد اتفاق خواهد افتاد؛ به این معنا که وجود ما در همان لحظه تولد نسبت به ساختار جهانی که به آن وارد شده‌ایم سنجیده می‌شود و در واقع نفس ما به سازگاری یا عدم سازگاری خود با آخرت شهادت می‌دهد؛ البته این شهادت به صورت لفظی نیست؛ بلکه یک امر تکوینی است.

در قانون نسبت گفتیم که رابطه دنیا با آخرت مانند رابطه رحم مادر با دنیاست. هنگامی که یک نوزاد به دنیا می‌آید با سلامت یا عدم سلامت اعضای خود به سؤال‌های دنیا پاسخ می‌دهد. برای مثال نوزادی که دو دست سالم دارد، در واقع به نیاز گرفتن و برداشتن اشیاء در دنیا، جواب کامل و صحیح داده است. اما نوزادی که یک یا هر دو دست را ندارد یا دستش چند انگشت کم یا اضافه دارد، به این پرسش جواب درست و کاملی نداده است. در مورد دیگر اعضای بدن نیز به همین صورت است؛ بنابراین سؤال و جواب‌ها در هیچ کدام از تولدهای ما شفاهی نیستند، بلکه حالت تکوینی دارند و نوزاد با اعضای سالم یا بیمار خود، در حقیقت به سؤالات دنیا پاسخ می‌دهد.

بعد از ورود ما به برزخ نیز دقیقاً به همین صورت، شهادت نفس اتفاق می‌افتد. باطنی که با مجموعه ارتباط‌ها، انتخاب‌ها، رفتارها و افکارمان در دنیا ساخته‌ایم، در برزخ آشکار می‌شود و بدین ترتیب بدون اینکه نیازی به سخن گفتن باشد نفس به تمام سؤالات آنجا پاسخ می‌دهد؛ یعنی خودش به چگونگی وضعیتش، مثلاً به سلامت، ضعف یا بیماری خود اقرار می‌کند. نامه اعمال هم کنایه از همان باطن یا نفس ماست که

همه چیز در آن ثبت شده است. از این رو در قیامت خطاب به ما گفته می‌شود: «کتاب خود را بخوان.

کافیست که امروز خودت بر خود حسابگر باشی.»<sup>۱</sup>

بر اساس آنچه که گفتیم مطابقت یا عدم تطبیق ما با شرایط دنیای آخرت به محض تولد مشخص شده و این همان مصداق شهادت نفس ما علیه خود ماست. مانند اینکه بگوییم انگشت‌های اضافه نوزادی که با ۶ انگشت به دنیا آمده علیه سلامت جسم او در دنیا شهادت می‌دهند. سلامتی یا عدم انطباق ساختار نفس ما در آخرت هم علیه ما شهادت خواهند داد؛<sup>۲</sup> بنابراین در شهادت نفس نه تنها جای هیچ عذر و بهانه‌ای نیست، بلکه می‌توان گفت که خودمان خود را محکوم خواهیم کرد! حال که به نحوه شهادت نفس پی بردیم، این سؤال مطرح می‌شود که میزان یا معیار در تعیین سلامت یا عدم سلامت نفس چیست؟

### میزان و معیار سلامت نفس

ما برای سنجش هرچیزی به یک میزان یا معیار نیاز داریم. محاسبه نفس هم از این قاعده مستثنی نیست. میزانی که براساس آن سلامت نفس سنجیده می‌شود، روح یا قلبی سالم است که با شرایط بهشت سازگاری دارد و تجهیزات لازم برای زندگی در آخرت را داراست. همان‌طور که میزان در سنجش سلامت یک نوزاد، کمال جسم انسانی است که به‌طور کامل با شرایط دنیا سازگاری دارد.

روح یا قلب سالم هم روح یا قلبی است که با آخرت تطبیق داشته باشد و برای تمام ساختارهای آخرت با خود جواب درست به همراه آورده باشد. همان‌گونه که بر اساس دروس گذشته می‌دانیم کسی دارای روح سالم است که به حقیقت «لا اله الا الله» رسیده باشد؛ یعنی اله و معشوق حقیقی او الله باشد و در نتیجه در نظام محبتی او، سه معشوق الله، اهل بیت (علیهم السلام) و جهاد در راه خدا نسبت به سایر معشوق‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی در اولویت قرار داشته باشند؛ بنابراین هرقدر روح ما با میزان و حقیقت «لا

<sup>۱</sup> «اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (سوره اسراء، آیه ۱۴)

<sup>۲</sup> «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نور، آیه ۲۴)

اله الا الله» تناسب بیشتری داشته باشد، از سلامت بیشتری برخوردار است. خداوند نیز در قرآن کریم، میزان را حق معرفی می‌کند؛<sup>۳</sup> حق همان انسان کاملی که با سالم‌ترین شکل و با بالاترین استعدادهای ممکن به آخرت متولد می‌شود.

در این درس دربارهٔ شهادت نفس و معیار سلامت نفس صحبت کردیم. گفتیم که سؤال و جواب آخرت شفاهی نیست، بلکه حالت تکوینی دارد. همان‌طور که نوزاد بلافاصله پس از تولد، با وضعیت جسمانی خود به سؤالات دنیا پاسخ می‌دهد، نفس ما نیز پس از ترک دنیا و تولد به ابدیت، به سؤالات آنجا جواب می‌دهد. به عبارتی سازگاری یا عدم سازگاری با بهشت همان شهادت نفس است و میزان برای سنجش سلامت نفس، داشتن روح یا قلب سلیم است؛ قلبی که عاشق خداست و همهٔ معشوق‌های دیگر، تحت حاکمیت معشوق حقیقی، یعنی الله قرار دارند.

---

<sup>۳</sup> «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ» (سورهٔ اعراف، آیه ۸)

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer